

جهان‌شمه

چهارشنبه ۱۲مهر۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۲

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY



پنج سال پیش، در روزی مثل دیروز که تیم الاتحاد عربستان به بهانه حضور سردیس شهید سپهد قاسم سلیمانی، حاضر به بازی در برابر تیم سپاهان ایران در ورزشگاه «نقش جهان» شد، «جمال خاشقچی» نویسنده سعودی روزنامه واشنگتن پست وارد کنسولگری عربستان در استانبول شد اما هیچ‌وقت از آن خارج نشد. خاشقچی در کنسولگری تکه‌تکه شد. بقایای بدن خاشقچی هیچ‌گاه پیدا نشد اما از او تنها یک جمله به یادگار مانده است: «منی توانم نفس بکشم». جمال ۵۹ ساله این جمله را وقتی گفت که تیم ترور سعودی در حال خفه کردن او بودند.

قتل خاشقچی جدا از وحشت روزنامه‌نگاران، فعالان و سیاستمداران در سراسر غرب، افکار عمومی در سراسر جهان را از محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی متنفر کرد. دو ماه بعد، در نشست سران ۲۰ کشور صنعتی در بوئنوس آیرس آرژانتین، محمد بن سلمان با استقبال سرد رهبران کشورهای بزرگ روبه‌رو شد. فشارهای خارجی و ترسیم تصویر جنایتکار از بن سلمان، آینده سیاسی او را که امیدوار به جانشینی پدر بود، تیره و تار کرده بود. ولیعهد بی‌تجربه سعودی برای ترسیم این تصویر، استراتژی تهاجمی «شست‌وشوی ورزشی» را در دستور قرار داد. شست‌وشوی ورزشی اصطلاحی است که عفو بین‌الملل در سال ۲۰۱۸ برای توصیف رژیم‌های استبدادی که از ورزش برای دستکاری وجهه بین‌المللی خود و پاک کردن سابقه حقوق‌بشری‌شان استفاده می‌کنند، ابداع کرد. تحلیلگران علاقه نسبتاً ناگهانی عربستان سعودی به ورزش را به‌عنوان یک تاکتیک قدرت نرم برای کمک به انحراف توجه از قتل خاشقچی، نقض مداوم حقوق بشر و بحران یمن تعبیر کردند. کمتر از یک سال بعد از قتل خاشقچی، گاردین گزارش داد که پادشاهی سعودی استراتژی لابی‌گری خود را دوچندان کرده است. این رسانه انگلیسی از اسنادی نوشت که استراتژی تهاجمی شست‌وشوی ورزشی پادشاهی را روشن می‌کند. این اسناد شامل جلسات و تماس‌های کاری با کمیسیونرهای لیگ برتر فوتبال (MLS)، لیگ برتر بیسبال (MLB) و همچنین مقامات انجمن ملی بسکتبال (NBA)، و کمیته المپیک می‌شد. این اسناد نشان می‌داد پادشاهی سعودی می‌خواهد برای تغییر وجهه خود تلاش کند. ساخت استادیوم‌های جدید و سرمایه‌گذاری در ورزش‌های الکترونیکی و ورزش‌های کمتر رایج مانند هاکی روی چمن و موج‌سواری بخشی از کمپین پرفشار بن سلمان برای دستکاری در وجهه بین‌المللی خود بود. فروردین سال ۱۴۰۰، سازمان حقوق بشر «کرات لیبرتی» در گزارشی افشا کرد که ریاض ۱٫۵ میلیارد دلار برای ورزش در سراسر جهان سرمایه‌گذاری کرده است. این هزینه‌ها از مسابقات قهرمانی شطرنج گرفته تا گلف، تنیس و اسب‌دوانی و… هزینه شده است. قدرتمندترین بخش کمپین شست‌وشوی ورزشی پادشاهی سعودی، سهامداری در باشگاه‌های فوتبال عربستان و خرید بازیکنان برجسته‌ای مانند کریستیانو رونالدو و نیمار با قراردادهایی به ارزش ۱۷۵ میلیون دلار بوده است. بن‌سلمان در مصاحبه‌ای که اخیراً با شبکه فاکس نیزوز داشت، صراحتاً اتهامات

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

درباره راهبرد چندگانه سعودی‌ها که ابعاد سیاسی و رسانه‌ای پیچیده دارد

نقش جمال



«شست‌وشوی ورزشی» را پذیرفت. او در این مصاحبه گفت: «خب، اگر قرار است ورزش شوی تولید ناخالص داخلی من را یک درصد افزایش دهد، من به کار شست‌وشوی ورزشی ادامه می‌دهم»، حضور ستاره‌های اروپایی در عربستان، در کنار جذابیت دادن به لیگ باشگاهی و جذب تماشاگر، در خدمت سیاست‌هایی که محمد بن سلمان به دنبال اجرای آن است، قرار گرفته است. تازه‌ترین نمونه آن، خودداری تیم الاتحاد عربستان برای مسابقه با تیم سپاهان است. اگر چه در چند سال گذشته مسابقات ایران و عربستان در کشور ثالث برگزار می‌شد اما پس از توافق و احیای روابط، برگزاری مسابقات به روال عادی خود بازگشت. در اولین مسابقه پرسپولیس با الاتحاد بازی کرد اما مسابقه دوم برگزار نشد تا در میانه تلاش دو کشور برای گرمی روابط، پیچیدگی‌های بهبود روابط تهران–ریاض نه در سیاست که در ورزش خود را به نمایش بگذارد.

پیچیده و سخت

بهانه قطع روابط ریاض با تهران، حمله به سفارت و کنسولگری عربستان سعودی در تهران و مشهد بود اما ریشه اختلافات به تحولات پس از آنچه «بهار عربی» می‌خواند، باز می‌گشت. تقریباً در تمام تحولات منطقه، ایران و عربستان در دو سمت متفاوت ایستاده بودند. این تقابل در سوریه به بالاترین سطح رسید و ریاض جدا از تأمین هزینهٔ گروهک‌های تروریستی، یکی از بازیگران اصلی برای تعیین سوریه پسا‌اسد بود. سعودی‌ها سرمست از جایگاه جدیدشان، تحولات یمن را برناتفتند و با تصور بستن پرونده انصارالله در یک یا دو هفته، ائتلافی تشکیل دادند. حملات برحجم هوایی و زمینی، از هفته‌ها و ماه‌ها گذشت و سال‌ها را در بر گرفت تا انصارالله نیز دست به مقابله به مثل بزند و با پهپادهای انتحاری، قلب اقتصاد عربستان یعنی



محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

درباره راهبرد چندگانه سعودی‌ها که ابعاد سیاسی و رسانه‌ای پیچیده دارد

آرام‌کو را هدف بگیرد. به اعتقاد تحلیلگران نظامی، جنگ دقیقاً در همان نقطه به پایان رسید و تحرکات بعدی ریاض، نمایش نپذیرفتن شکست تحقیرآمیزشان بود. سعودی‌ها خیلی زود از پرونده سوریه کنار گذاشته شدند ولی ایران چه در مذاکره و چه در میدان، بازیگر اصلی ماند و توانست با کمک جبهه مقاومت، تروریست‌ها را در سوریه و عراق شکست دهد و منطقه را آن‌گونه که می‌خواست هدایت کند. پس از تثبیت اوضاع در منطقه، زمان بهبود روابط رسیده بود. با وساطت برخی کشورها ازجمله عراق تهران و ریاض چند دور مذاکره با هدف کاهش تنش و از سرگیری روابط کردند. به باور تهران، کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، بیش از آنکه «تصمیم‌گیر» باشند، «اسپانسر» طرح‌های آمریکا در منطقه بودند. از این‌رو ایران برای بازگرداندن ثبات و امنیت به منطقه، استراتژی اخراج آمریکا از منطقه را در دستورکار خود قرار داد. رفتار آمریکا در چند دهه گذشته نشان داده است که منافع اقتصادی واشنگتن پیوند قدرتمندی با حضور نظامی این کشور در آن منطقه دارد. به عبارت دیگر، آمریکا بدون حضور نظامی در یک منطقه، منافعی نیز نخواهد داشت. براین

اساس ایران، خروج نظامی آمریکا از منطقه را در دستور کار خود قرار داد و با بهبود روابط با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان سعودی، چربی حضور آمریکا در منطقه را به چالش کشید. البته بخشی از کاهش حضور آمریکا در منطقه، به دلیل تمرکز این کشور بر چین نشأت می‌گیرد. کاهش توجه به غرب آسیا و تمرکز بر چین، کشورهای عربی را به تکاپو انداخت و آنها را به چین و روسیه نزدیک‌تر



محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

کرد. سفر سال گذشته شی جین پینگ به عربستان سعودی و قراردادهایی که او با طرف سعودی بست، نشان می‌داد که منطقه نیز متوجه پایان جهان تک‌قطبی شده است.

عادی‌سازی با رژیم گرفتار؟

آمریکا برای پر کردن شکاف ایجادشده در روابطش با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، تلاش کرده تا از ظرفیت نایب منطقه‌ای خود یعنی رژیم صهیونیستی کمک بگیرد. پروژه عادی‌سازی روابط که در دوره ترامپ آغاز شد و در دولت بایدن به شکل دیگری ادامه پیدا کرد، متمرکز بر عربستان سعودی است چراکه در صورت عادی‌سازی روابط ریاض با تل‌آویو، سایر کشورهای عربی نیز به سمت عادی‌سازی خواهند رفت. ایده کریدور «هند–خاورمیانه–اروپا» که امارات را از مسیر ریلی به عربستان اردن و رژیم صهیونیستی متصل می‌کند، در همین راستا قابل ارزیابی است. اگر چه آمریکا ایده عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را در دستور کار خود قرار داده است و تلاش می‌کند آن را به منطقه تحمیل کند اما پرسش اصلی اینجاست که آیا صهیونیست‌ها که در سال‌های اخیر درگیر بی‌ثباتی سیاسی بوده‌اند و اکنون علاوه بر درگیری‌های داخلی، در محاصره فلسطینیان و گروه‌های مقاومت گرفتار شده‌اند، توان حمایت و پشتیبانی از پادشاهی‌های عربی را دارند؟ حداقل در ریاض پاسخ این سوال منفی است؛ چراکه سعودی‌ها پیش‌شرط‌های بزرگی را برای عادی‌سازی روابط طرح کرده‌اند؛ پیش‌شرط‌هایی که فعلاً نه در آمریکا خریداری دارد و نه در سرزمین‌های اشغالی.



محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

محمد بن سلمان

^[1] محمد بن سلمان

^[2] محمد بن سلمان